

جلسه ۲۰۹ (ش) ۹۰/۲/۳

بسم الله الرحمن الرحيم

(مسئله ۶) : فی يوم الشک فی آنه من رمضان أو شوال يجب أن يصوم و فی يوم الشک فی آنه من شعبان أو رمضان يجوز الإفطار و يجوز أن يصوم لكن لا يقصد أنه من رمضان كما مر سابقاً تفصیل الکلام فيه ولو تبين في الصورة الأولى كونه من شوال وجب الإفطار سواء كان قبل الزوال أو بعده ولو تبين في الصورة الثانية كونه من رمضان وجب الإمساك و كان صحيحاً إذا لم يفطر و نوى قبل الزوال و يجب قضاؤه إذا كان بعد الزوال .

در يوم الشک که نداند آخر رمضان است یا اول شوال واجب است روزه بگیرد به خاطر استحباب بقاء رمضان و عدم اثبات رؤیت هلال ماه (أفطر لرؤية) ، و در يوم الشک که نداند شعبان است یا رمضان افطار یا روزه به قصد غیر رمضان جایز است چنانچه گذشت به خاطر استحباب شعبان و عدم اثبات رؤیت هلال ماه رمضان (صم لرؤية) . در صورت اول اگر معلوم شود که شوال بوده باید افطار کند چه پیش از زوال یا بعد از زوال زیرا اول شوال روز عید فطر است که روزه در آن حرام می باشد ، و در صورت دوم اگر معلوم شود رمضان است در صورتی که هنوز افطار نکرده چنانچه پیش از زوال باشد می تواند تجدید نیت کند و روزه اش هم صحیح می باشد ولی اگر بعد از زوال معلوم شود که رمضان است باید امساک کند و روزه اش را نیز قضا کند زیرا روزه عبارت است از امساک از طلوع فجر تا غروب در حالی که این شخص بعد از ظهر متوجه شده که رمضان بوده و او مکلف به روزه بوده فلذا باید قضایش را به جا بیاورد ، البته همانطور که قبلاً عرض کردیم شارع مقدس پیش از ظهر را پذیرفته و گفته که اگر قبل از ظهر بفهمد که رمضان است در صورت عدم افطار می تواند تجدید نیت کند و روزه اش هم صحیح است و قضا هم لازم ندارد .

(مسئله ۷) : لو غمّت الشهور و لم ير الهلال في جملة منها أو

فی تمامها حسب کل شهر ثلاثين ما لم يعلم النقصان عادة .

اگر چند ماه هوا ابری باشد به طوری که هلال آنها را نبیند باید

همه ماهها را ۳۰ روز حساب کند مادامی که به حسب عادت نقصان آنها را نداند ، در واقع در این فرض آخر هر ماه در يوم الشک استحباب بقاء ماهی را که در آن بوده می کند و آن ماه را ۳۰ روز حساب می کند البته به شرطی که ما لم يعلم النقصان عادة . خوب و اما اخبار ۱ و ۱۱ از باب ۵ از ابواب احکام شهر رمضان بر مطلب مذکور در مسئله ۷ دلالت دارند ، خبر ۱ این است : « محمد بن الحسن بإسناده عن أبي غالب الزراري ، عن أحمد بن محمد ، عن أحمد بن الحسن ، عن أبان ، عن عبد الله بن جبلة ، عن علاء ، عن محمد بن مسلم ، عن أحدهما - یعنی : أبان جعفر و أبان عبد الله (ع) قال : شهر رمضان يصيبه ما يصيب الشهور من النقصان ، فإذا صمت تسعة و عشرين يوماً ثم تغيّمت السماء فأتمّ العدة ثلاثين » . أبی غالب زراری اسمش احمد بن محمد بن سلیمان می باشد و در رجال شیخ و نجاشی و فهرست شیخ و خلاصه علامه که از کتابهای مهم رجال ما هستند در احوالات او نوشته اند ؛ کان شیخ أصحابنا فی عصره و استادهم و فقیههم ، جلیل القدر و کثیر الروایة ثقة ثقة ثقة ، و از طبقه ۹ می باشد و احمد بن محمد بن عیسی نیز ثقة و از طبقه ۷ می باشد ، و احمد بن حسن بن فضال و أبان بن عثمان أحرر نیز ثقة هستند و عبد الله بن جبلة نیز از طبقه ۶ و ثقة است و همچنین علاء بن زرین نیز ثقة و از طبقه ۵ می باشد و محمد بن مسلم هم که معلوم است ، خلاصه اینکه روایت صحیح السند می باشد و همانطور که می بینید جمله آخر این خبر بر مانحن فیه دلالت دارد ، و شاید هم بتوانیم این خبر را یکی از ادله استحباب حساب کنیم زیرا در آخر خبر گفته شده ؛ فأتمّ العدة ثلاثين که دلالت بر استحباب بقاء رمضان دارد . آقای حکیم (ره) در مستمسک چند صفحه در اینجا بحث کرده اند و گفته اند که اگر استحباب بقاء رمضان کنیم و بگوئیم که امروز رمضان است آیا این از لوازمات عقلی مستصحب ما و اصل مثبت است یا اینکه از لوازمات شرعی مستصحب است ؟ و خلاصه در آخر کلامشان قبول کرده اند که از لوازمات شرعی می باشد که همین طور هم است زیرا عرفاً از لوازم شرعی حساب می شود .

اما خبر ۱۱ از همین باب ۵ این خبر است : « وعنه ، عن يوسف

بن عقيل ، عن محمد بن قيس ، عن أبي جعفر (ع) قال : قال



أى يتظننى و علت اینکه : فإن كان الشهر الذى صامه قبل شهر رمضان لم يجزه و إن كان بعد شهر رمضان أجزاء این است که اگر بعد از ماه رمضان بوده باشد به جای قضاى رمضان حساب می شود ولی اگر قبل از رمضان بوده باشد به جای قضاى رمضان حساب نمی شود .

اما خبر ۲ از این باب ۷ این خبر است : « محمد بن محمد المفید (المقنعة) عن الصادق (ع) قال: أنه سئل ، عن رجل أسرته الروم فحبس ولمير أحداً يسأله ، فاشتبهت عليه أمور الشهور كيف ، يصنع فى صوم شهر رمضان؟ فقال: يتحرى شهراً فيصومه-يعنى : يصوم ثلاثين يوماً- ثم يحفظ ذلك فمتى خرج أو تمكن من السؤال لأحد ، نظر : فإن ، كان الذى صامه كان قبل شهر رمضان لم يجز عنه و إن كان هو هو فقد وفق له ، و إن كان بعده أجزاءه » . این خبر هم سنداً صحیح می باشد و دلالتش بر مانحن فيه نیز روشن است .

صاحب عروة در ادامه مسئله می فرماید : ومع عدمه تخيراً فى كل سنة بين الشهور ، که بماند برای جلسه بعد إنشاء الله...

و الحمد لله رب العالمين اولاً و آخراً و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

أميرالمؤمنين (ع) إذا رأيتم الهلال فأفطروا ، أو شهد عليه عدل من المسلمين - إلى أن - قال: وإن غمّ عليكم فعدّوا ثلاثين ليلة ثم فطروا . ورواه الصدوق بإسناده عن محمد بن قيس مثله . عنه : يعنى از شيخ طوسى و يوسف بن عقيل نیز ثقه است و محمد بن قيس نیز ثقة عين ، پس خبر صحيح السند می باشد و دلالتش بر مانحن فيه نیز روشن است .

(مسئله ۸) : الأسير و المحبوس إذا لم يتمكن من تحصيل العلم بالشهر عملاً بالظنّ و مع عدمه تخيراً فى كل سنة بين الشهور فيعينان شهراً له و يجب مراعاة المطابقة بين الشهرين فى سنتين بأن يكون بينهما أحد عشر شهراً و لو بان بعد ذلك أن ما ظنّه أو اختاره لم يكن رمضان فإن تبين سبقه كفاه لأنه حينئذ يكون ما أتى به قضاء و إن تبين لحوقه و قد مضى قضاؤه و إن لم يمض أتى به و يجوز له فى صورة عدم حصول الظنّ أن لا يصوم حتى يتيقن أنه كان سابقاً فيأتى به قضاء و الأحوط إجراء أحكام شهر رمضان على ما ظنّه من الكفارة و المتابعة و الفطرة و صلاة العيد و حرمة صومه مادام الاشتباه باقياً و إن بان الخلاف عمل بمقتضاه .

اسير و محبوس که نتواند تحصيل علم به رمضان بودن ماهی نمایند باید عمل به مظنه کنند . دليل ما براین مطلب خبر ۱ و ۲ از باب ۷ از ابواب احكام شهر رمضان می باشد ، خبر ۱ این است : « محمد بن على بن الحسين بإسناده عن أبان بن عثمان ، عن عبدالرحمن بن أبى عبدالله ، عن أبى عبدالله (ع) قال : قلت له: رجل أسرته الروم و لم يصح له شهر رمضان ولم يدر أى شهر هو ؟ قال : يصوم شهراً يتوخى ويحسب ، فإن كان الشهر الذى صامه قبل شهر رمضان لم يجزه ، و إن كان بعد شهر رمضان جزأه . ورواه الكليني ، عن احمد بن إدريس ، عن الحسن بن على الكوفى ، عن عبيس بن هشام عن أبان بن عثمان . و رواه الشيخ بإسناده عن سعد بن عبدالله ، عن الحسن بن على بن عبدالله بن المغيرة عن عبيس بن هشام ، مثله » . أبان از طبقه ۵ و شيخ صدوق از طبقه ۱۰ می باشد ولی طريق صدوق به أبان صحيح است ، و أبان بن عثمان ؛ وثقه فى تنقيح المقال (جلد ۱ ص ۶) وفى معجم رجال حديث (جلد ۱ ص ۱۶۱) ، و عبدالرحمن بن حجاج نیز ثقه می باشد و خلاصه اینکه خبر سنداً صحیح می باشد . واما دلالت خبر برمانحن فيه روشن است ، توخى يعنى اختيار شئ بالظنّ و يتوخى